



---

## فصل پنجم



---

مبانی رفتار تولیدکننده و عرضه بازار

## چند مفهوم اساسی

### ■ هزینه های حسابداری

■ پرداخت های تحقق یافته بنگاه در یک دوره زمانی

### ■ هزینه فرصت

■ منفعت از دست رفته به علت آن که منابع در بهترین گزینه خود استفاده نشده اند.

### ■ سود غیرنرمال

■ سود بالاتر از نرخ بهره بازار

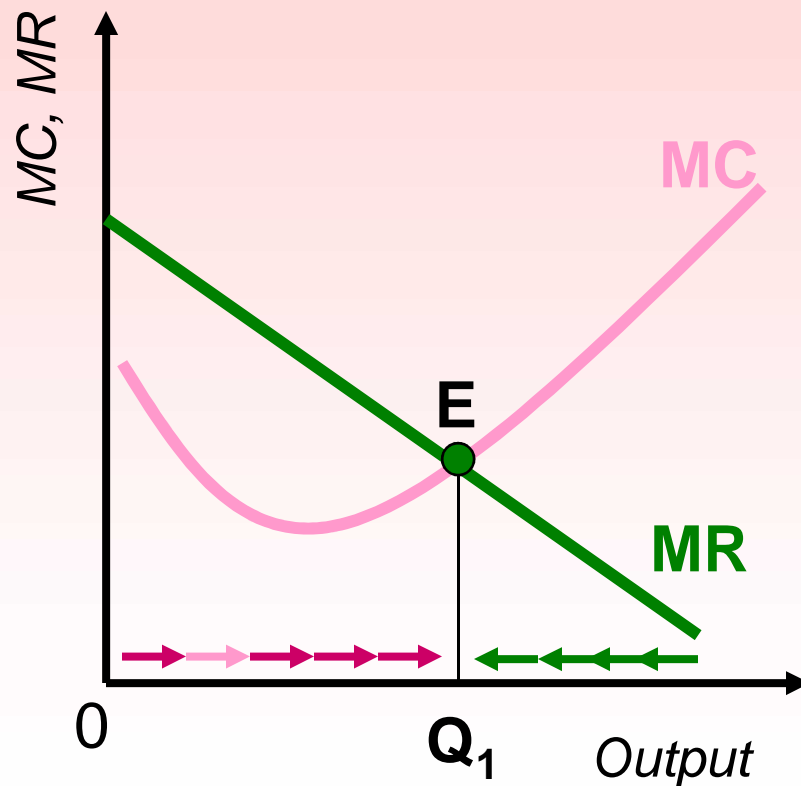
■ اقتصاددانان هزینه فرصت را نیز در هزینه کل بنگاه محاسبه می کنند.



## رفتار تولیدکننده

- در هر سطح محصول، بنگاه سعی می کند هزینه هایش را حداقل سازد.
- فرض کنیم که هدف بنگاه حداکثر کردن سود است.
- سود به هر دوی **درآمد** و **هزینه ها** بستگی دارد. که هر یک با تغییر سطح محصول تغییر می کنند.
- **هزینه نهایی** (Marginal cost (MC) میزان افزایش در هزینه کل بنگاه به ازای افزایش یک واحد محصول است.
- **درآمد نهایی** (Marginal revenue (MR) میزان افزایش در درآمد کل بنگاه به ازای افزایش یک واحد محصول است.

## حداکثر کردن سود



اگر  $MR > MC$ ، افزایش در میزان محصول، سود را افزایش می دهد.

اگر  $MR < MC$ ، کاهش در میزان محصول، سود را افزایش می دهد.

بنابراین سود وقتی ماکزیمم می شود که  
 $MR = MC$  (در  $Q_1$ )

(تا زمانی که بنگاه هزینه های متغیرش را بپوشاند).



## تابع تولید

---

- میزان تولید محصول به میزان نهاده های مورد استفاده در فرآیند تولید بستگی دارد.
- یک **عامل تولید** (نهاده) کالا یا خدمتی است که برای تولید محصول به کار می رود.
- **تابع تولید** بیانگر حداکثر میزان محصولی است که به ازای نهاده های مشخص بدست می آید.



## کوتاه مدت در برابر بلند مدت

---

- **کوتاه مدت:** دوره ای است که در آن بنگاه فقط بخشی از نهاده ها را می تواند تغییر دهد. (مثلا بنگاه ممکن است بتواند تعداد نیروی کار را تغییر دهد ولی نتواند میزان سرمایه را کاهش یا افزایش دهد).
- **بلندمدت:** دوره ای است که در آن بنگاه می تواند همه نهاده ها را با تغییر شرایط تعدیل کند.

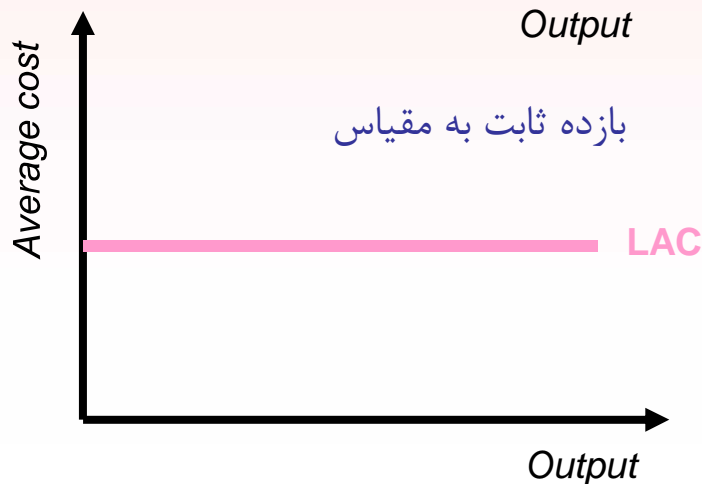
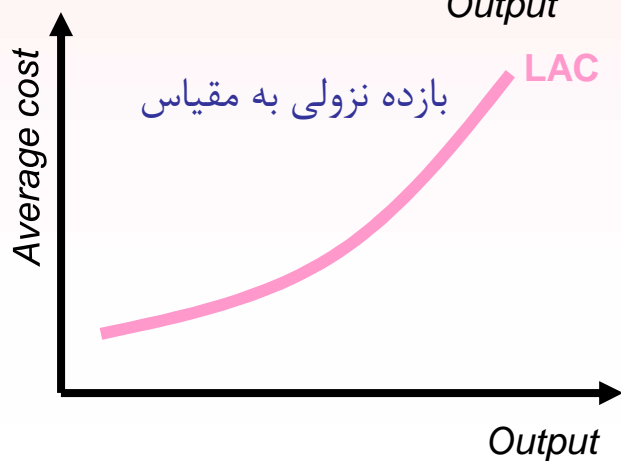
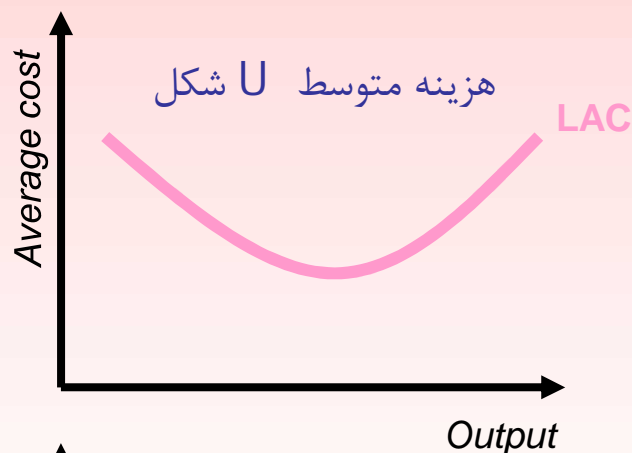


## بازده نهایی عوامل تولید

- **بازده نهایی** میزان افزایش در سطح محصول است به ازای یک واحد افزایش در عامل تولید متغیر، وقتی که بقیه عوامل تولید را ثابت نگه داریم.
- معمولاً عامل تولید متغیر را نیروی کار در نظر می گیرند، در حالی که میزان سرمایه ثابت فرض می شود.
- **قانون بازده نزولی** بیان می کند که با ثابت نگه داشتن همه عوامل تولید به جز یک عامل، از یک سطحی از تولید به بعد، افزایش بیشتر آن عامل تولید به کاهنده شدن بازده نهایی آن منجر خواهد شد.
  - مثلاً افزایش نیروی کار بدون افزودن سرمایه باعث بازده نزولی نیروی کار می شود.

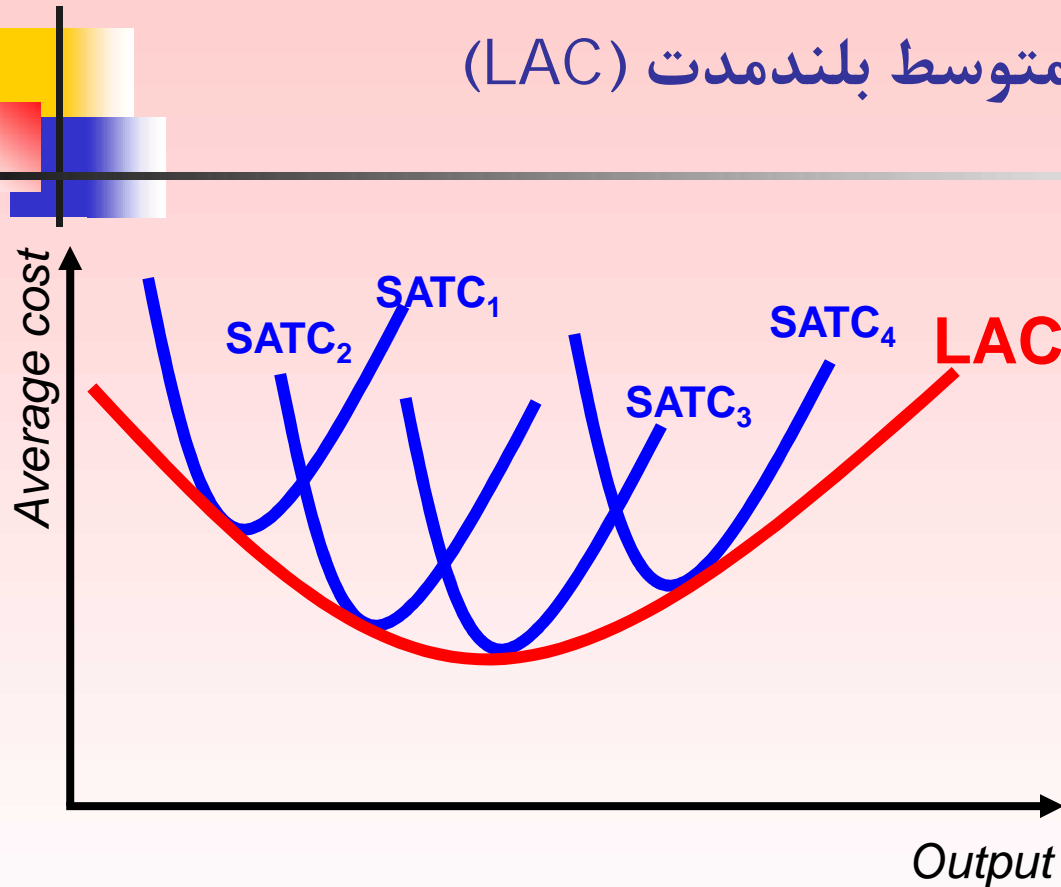
## ساختار هزینه بنگاه: هزینه متوسط

هزینه متوسط تولید برابر است با هزینه کل تقسیم بر سطح محصول:  $AC = TC / Q$





## منحنی هزینه متوسط بلندمدت (LAC)



اندازه هر واحد تولیدی برای سطح محصول مشخصی طراحی شده است.

بنابراین دنباله ای از منحنی های منحنی هزینه متوسط کوتاه مدت خواهیم داشت که هر یک متناظر با یک سطح محصول بهینه و متفاوت با دیگری است.

در بلندمدت، اندازه واحد تولیدی نیز متغیر است و منحنی هزینه متوسط بلندمدت، منحنی پوش (مماس بر) همه منحنی های هزینه متوسط کوتاه مدت خواهد بود.

# انتخاب سطح تولید

## هزینه ها

## درآمدها

تکنولوژی و  
هزینه عوامل تولید

منحنی تقاضا

منحنی های TC  
(بلندمدت و کوتاه مدت)

AC  
(بلندمدت و کوتاه مدت)

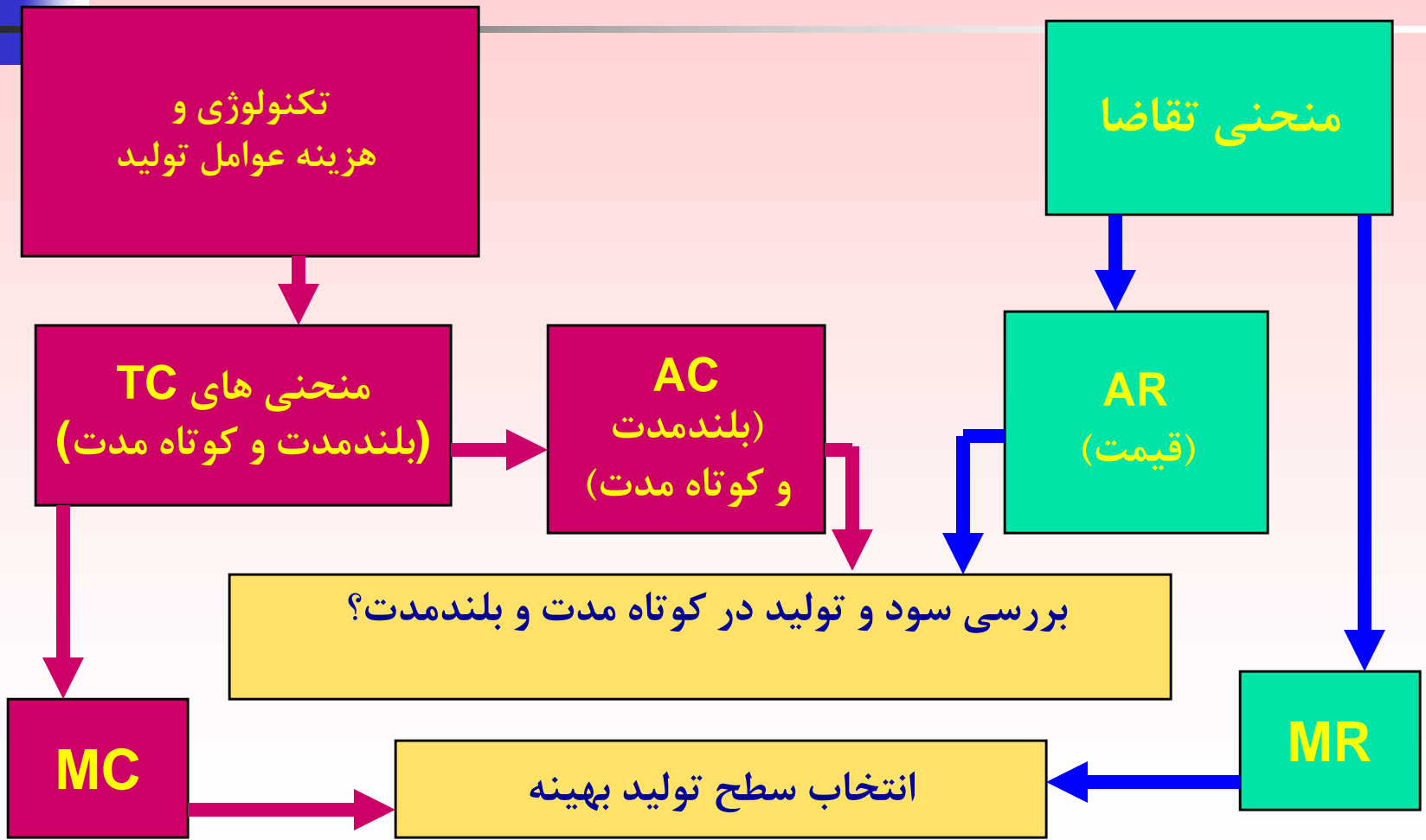
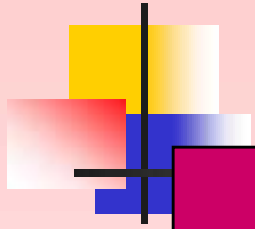
AR  
(قیمت)

بررسی سود و تولید در کوتاه مدت و بلندمدت؟

MC

انتخاب سطح تولید بهینه

MR



## تصمیمات بنگاه در مورد سطح تولید: خلاصه

	شرط نهایی Marginal Condition	تولید یا عدم تولید
تصمیم کوتاه مدت	انتخاب سطحی از تولید که $MR = SMC$	تولید کن مگر قیمت پایین تر از SAVC باشد. در این صورت تولید صفر
تصمیم بلند مدت	انتخاب سطحی از تولید که $MR = LMC$	تولید کن مگر قیمت پایین تر از LAC باشد. در این صورت تولید صفر و خروج از بازار